

دکتر سید محمد ثقفی

### تأثیر عاشورا در ادبیات تشیع

تشیع از لحاظ نظری در زمان پیامبر، و در روز غدیر پی ریزی شد. اما تبلور واقعی و عینیت خارجی آن، بعد از رحلت پیامبر اتفاق افتاد. در ادوار بعدی تاریخ این گروه

اندک در زمان رحلت، به صورت یک نحله دینی نیرومند، معترض، فداکار، تبلور یافت و در راه اسلام راستین چه فداکاریهایی که انجام نداد.

#### شاخصه‌ها

معمولاً هر جماعتی یا گروهی چه در زمینه سیاست و اجتماع و چه در مورد عقیده و مذهب اگر هم در نقطه آغاز دارای شاخصه‌های معین نباشد، ولی در روند زمان، دارای مشخصات معین و جهت‌گیریهای خاصی می‌شود.

آن روز (بعد از رحلت) عده‌ای از صحابه که به بیعت خلیفه اول اعتراض داشتند، در خانه علی علیه السلام گرد هم آمدند. به نقلی تعداد آنها ۱۱۰ نفر از یاران پیامبر بودند، که شایستگی پیشوائی را تنها در چهره و قیافه علی علیه السلام می‌دانستند. جمله معروف سلمان فارسی که بعد از شنیدن بیعت با خلیفه به زبان آورده است [کردید و نکردید] گویای این تشخیص و دریافت واقعی است.

سلمان می‌گفت: «آن کس که

زورگو، سکوت کرده و احیاناً او را تأیید می‌نمایند.

از نظر الگوی اجتماعی، تشیع، اهل بیت و امام معصوم را محور حرکت دانسته و به پیروی آن پای می‌فشارد که اعلم امت و «وارستگان» خلق‌اند. اما تسنن صحابه را محور دانسته و احیاناً با توجیه‌گرهای زیاد، کارهای هر صحابی را حجت می‌شمارند.

از نظر عاطفی، تشیع حبّ اهل بیت و ولای آل محمد علیهم‌السلام را لازمه دین تلقی کرده «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» و همواره بر محبت و ولایت آنها پای می‌فشارند. اما در تسنن گرچه این مسأله مورد پذیرش اغلب و اکثریت آنها نیز هست، ولی احیاناً چهره روشنی از این محبت، چندان دیده نمی‌شود. زیرا بسیاری از آنان با اینکه می‌دانند کسانی در مورد اهل بیت ظلم کرده‌اند، اما همواره کارهای آنان را توجیه‌گرانه، تأویل می‌کنند.

حوادث تاریخ اسلام این دو جریان و دو مذهب را در روند زمان نشان می‌دهد.

چنانکه خوارج در روز نخست، تنها یک عده مسلمان افراطی شورشگر بوده‌اند. تا بعداً به صورت یک نحله سیاسی، دینی و دارنده اهداف و عقاید خاصی درآمده‌اند.

هر دو مکتب تشیع و تسنن که مجموعاً بدنه جهان اسلام را تشکیل می‌دهند، دارای شاخصه‌ها، جهت‌گیریها، اهداف و آرمانهای معینی هستند که طرفداران و پیروان هر یک از آنها با همین شاخصه‌ها، تعیین می‌یابد.

تشیع از نظر جهت‌گیری اجتماعی طرفدار حقیقت است و نه واقعیت ولی تسنن عکس آن را در نظر دارد.

تشیع در آرمان اجتماعی تقدّم عدالت را قائل است ولی تسنن نظم و انسجام را بر عدالت مقدم می‌شمارد. به این معنا که اگر در جامعه پایه‌های عدالت اجتماعی متزلزل شود، طرفداران تشیع به آن نظام اجتماعی اعتراض می‌کنند و در جستجوی عدالت اجتماعی، اقدام به نهضت و انقلاب می‌کنند. ولی تسنن با توجیه‌گرایی، نظم اجتماعی را ارجح می‌نهد و در برابر حاکم

فلسفه تاریخ است باید آرمانها، اهداف و جهت گیری شهیدان طّف را با تحلیل علمی و مطالعه دقیق تاریخ اسلام، پی گیری نمود، درس آموخت عبرت اندوخت و فلسفه شهادت را زنده کرد.

نهضت عاشورا، در تاریخ اسلام، آثار زیادی از خود به یادگار گذاشت که جا دارد، اشاره کوتاهی به آنها داده شود:

۱. نهضت عاشورا و پیام حسین علیه السلام الهام بخش نهضت های ضدّ ستمگری در دوره اسلام، بلکه در طول تاریخ بوده است.

۲. در عرصه فکر و فرهنگ و نهضت حسین علیه السلام، ادبیات خاصی را پدید آورد که در محافل مسلمانان همواره زنده است.

۳. نهضت عاشورا در زمینه شعر، شعرانی را پروراند که می توان گفت آنان شعرای حسین اند. این شاعران در همه زبانها و فرهنگهای عالم اسلامی که تا امروز هم ادامه دارد، حقایق اجتماعی و آرمانهای انسانی را در پرتو احساس حسینی و شیعه گیری خود، ابراز می دارند.

این شعرا هم در زبان و ادب

نهضت ابوذر؛ صحابی بزرگوار، فداکارهای مالک اشتر در دوران علی علیه السلام، شهدای مرج عذرا (حجر بن عدی و یارانش) از نمونه های بارز و به یاد ماندنی این گرایش و نحله دینی است.

### آثار و پیامدهای عاشورا

قطعاً حادثه غم انگیز عاشورا، و نهضت و انقلاب حسین بر ضدّ استبداد و حرکت ضدّ اسلامی بنی امیه و دفاع مردانه او و یارانش از حریم اسلام حقیقی و سرانجام شهادت او و ۷۲ تن در راه احیای اسلام، آزادی و ضدّ ستمگری پدیدۀ شگفت انگیزی است که اگر از نظری غمناک و سوگمند، و دل آزار است و هر مسلمان و پیرو اهل بیت را رنج می دهد و در ماتم سالار شهیدان، بمانند ابر بهاران اشک می ریزد، اما از نظر دیگر الگویی از رشادت، شهامت، بزرگواری، آزادیخواهی را به نمایش می گذارد که در سرتاسر تاریخ می درخشد و برای همه رجال آزادیخواه پیام می فرستد.

اساساً نهضت عاشورا ذاتاً یک

آرمان‌گرا؟ تقلیدی است یا تحقیقی؟  
تأمل‌گرا است یا توجیه‌گرا؟  
مطالعه هر یک از ادبیات ملتها،  
چه غربی و چه شرقی، این روح  
اجتماعی را نشان می‌دهد.

از این بُعد است که شاهنامه  
فردوسی و مثنوی مولوی هر دو در ایران  
ارزش می‌یابند که در یکی حماسه و در  
دیگری عرفان و ظرافت اندیشه مطرح  
شده است و ای بسا حماسه فردوسی در  
عرفان عیاران ایرانی در صحنه سیاست  
و ادب، تبلور یافته است.<sup>۱</sup>

و در عرصه ادبیات عرب نیز  
«تائیه ابن فارض» و «لامیه طغرایی» و  
«دیوان مستنبی» این روح را نشان  
می‌دهند.<sup>۲</sup>

### تأثیر عقیده در شعر

گفتم، ادبیات، زبان عاطفه و  
احساس است و مظهر و نماد گرایشها و

(۱) در این زمینه به کتاب «انسان کامل و آرمانی  
در ادبیات حماسی و عرفانی» استاد دکتر حسین  
رزمجو، مراجعه شود. انتشارات امیرکبیر، تهران  
۱۳۷۵.

(۲) دکتر کمال البازجی، ابوالعلاء و لزومیاته،  
ص ۶۴۰، دارالجلیل، بیروت ۱۹۸۸.

عرب، هم در زبان و ادب فارسی، زبان و  
ادب اردو، زبان و ادب ترکی که چهار  
زبان عالم اسلامی است، وجود دارند. و  
هنوز که هنوز است، ذوق شعری و  
احساس درونی این گویندگان از نهضت  
عاشورا متأثر بوده و عاشورا توانسته  
است احساس لطیف انسانی و اسلامی  
و عدالت خواهانه این شاعران را  
پرورش دهد.

### شعر، آینه حیات اجتماعی و فرهنگی

اگر بخواهیم «وجدان جمعی» و  
«روح اجتماعی» یک جامعه را نشان  
دهیم، باید ادبیات و فرهنگ آن جامعه  
را مطالعه نماییم.

ادبیات، احساس و عاطفه،  
اندیشه، و جهت‌گیری اجتماع را نشان  
می‌دهد و تشخیص اجتماعی و طیف  
فکری و قشریندی احساسی جامعه را  
رقم می‌زند که آیا روح اجتماعی فلان  
ملت و قوم چه نوعی است ستم‌پذیر  
است یا ستم‌ستیز؟ اجتماعی است یا  
انزوائی؟ با محبت است یا همراه با  
نفرت و کینه؟ قهرمان‌گرا است یا

و دَعَوْتِي و عَلِمْتُ أَنَّكَ صَادِقٌ  
و لَقَدْ صَدَقْتَ وَ كُنْتَ تَمَّ أَمِيناً  
و لقد علمتُ بأنَّ دینَ مُحَمَّدٍ ﷺ

من خیرِ اَدیانِ البریةِ دیناً

«به خدا هرگز دست هیچ یک از قریش به تو نمی‌رسد، مگر آن که مرا در خاک (قبر) دفن کنند. تو (پیامبر) مادامی که جوانی داری به کار خود (رسالت) قیام کن و با شادابی و چشم‌روشنی اقدام نما.

تو مرا به دین جدید، دعوت کردی و من می‌دانم که تو صادق و از اول هم تو راستگو و امین بودی.

من یقیناً می‌دانم که آئین محمد در میان دینهای بشری از بهترین آئین‌هاست».

همچنین تشکیک‌ها و تردیدها و شک و ابهامهای ابوالعلاء معری در اشعار و سروده‌های او مؤثر بوده و نمایان است:

هَفَّتِ الْحَنِيفَةُ وَ النَّصَارِيُّ مَا اهْتَدَتْ  
وَ يَهُودُ حَارِثَ وَ الْمَجُوسُ مُظَلَّلَةَ  
اِنَّانَ اَهْلَ الْاَرْضِ ذُو عَقْلٍ بِلَا  
دِينٍ وَ اٰخِرُ دِيْنٍ لَا عَقْلَ لَهُ  
«آئین حنیف، بی‌رویه و سبک است و ترسایان هدایت نیافته‌اند، یهودیان حیرانند و مجوسیان گمراه.

تمایلات. از طرف دیگر، عقیده، منبع و سرچشمه این امیال و جهت‌گیریها است قطعاً عقیده و بینش در آفرینش و خلق تمایلات و جهت‌گیریها، تنها عاملی است که مؤثر است. حالا عقیده چه عقیده‌ای باشد، فرق نمی‌کند. طبیعی است که در این هنگام ادبیات رنگ اعتقاد می‌گیرد. و چهره‌ای از عقیده و بینش را نمایش می‌دهد.

ادبیات بمانند آینه صاف و زلالی است که روح و عقل و امیال و عقیده و جهت‌گیری‌های ادیب و شاعر را نشان می‌دهد و گرایشها و تمایلات و جهت‌گیریهای او در ادبیات و شعر او انعکاس می‌یابد.

مثلاً در شعر ابوطالب که محمد ﷺ برادر زاده‌اش را مخاطب می‌کند، نحوه اعتقاد و گرایش او، تبلور می‌یابد و ایمان و اسلام او را نشان می‌دهد.

وَاللّٰهُ لَنْ يَصْلُوَاكَ بِجَمْعِهِمْ  
حَتّٰى اَوْسَدَ فِى التَّرَابِ دَفِيْنًا  
فَاَصْدَعْ بِاَمْرِكَ مَا عَلَيْكَ غَضَاصَةٌ  
وَ اُبَشِّرْ بِذٰلِكَ وَ قَرَّ عَيْنُكَ عُيُوْنًا

يَا بَيْنَ مُسْتَعْرِضِ الصَّفُوفِ بِبَدْرِ  
مُسَيِّدِ الْأَقْرَانِ مِنْ غَطْفَانَ  
أَحَدُ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمُ الْأَعْرَاضُ  
فِي كُلِّ مَنْطِقٍ وَالْمَعَانِي  
وَالشُّخُوصِ الَّتِي خُلِقْنَ ضِيَاءُ  
قَبْلِ خَلْقِ الْمَرِيخِ وَالْمِيزَانَ  
قَبْلَ أَنْ تَخْلُقَ السَّمَوَاتِ أَوْ  
تُؤَمِّرَ أَفْسَلَكَهِنَّ بِالْأَدْوَانَ

«در گستره تاریخ از خون دو شهید: علی و فرزندش، دو شاهد زنده موجود است.

این دو شهید در پایان شب بمانند فجر و صبحگاه و در اوائل شب بمانند شفق خورشید می درخشند.

این دو همراه با پیراهنهای خود به عرصه حشر و قیامت می آیند که به سوی خدایشان (رحمان) بشتابند.

ای کسی که خود را به صفوف دشمن در جنگ بدر عرضه می کردی و همتایان خود را از قوم غطفان هلاک می ساختی.

تو یکی از پنج نفر (پنج تن آل عبا) هستی که آنان در همه معارف (منطق و معانی) همواره اهداف و الگویند.

و آن انسانهای شاخص که وجود شما پیش از آفرینش مریخ و میزان (مشتري) درخشان آفریده شده اند (اصحاب کساء).

دو گروه در روی زمین زندگی می کنند  
عاقلان بی دین و دینداران بی عقل».

و در ادبیات فارسی نیز عرفان حافظ و ظرافت بینش او و حکمت سعدی همه و همه در شعر و ادبیات آنان هویدا است.

### تجلی عاشورا در اشعار شعرای عدالت خواه

حادثه غم انگیز عاشورا همه شعرای عدالت خواه و آزادی طلب را پرورش داده و تشیع که تنها چهره راستین اسلام محمدی صلی الله علیه و آله است، در اشعار آنان تجلی یافته است. اینک برای معرفی چنین چهره هایی از شعرهای آنان که احیاناً هم مذهب شیعه را نداشتند، نمونه هایی را ارائه می دهیم. ابوالعلاء معری گفته است:

و عَلَى الدَّهْرِ مِنْ دِمَاءِ الشَّهِيدِينَ  
عَلِيٍّ وَ نَجْلِهِ شَهِادَاتٍ  
فَسَهْمًا فِي أَوَاخِرِ اللَّيْلِ فَجْرَانِ  
وَ فِي أَوْلِيَانِهِ شَفَقَانِ  
ثَبَاتًا فِي قَمِيصِهِ لِيَجِيءَ الْحُشْرَ  
مُسْتَعْتِدًّا إِلَى الرَّحْمَانِ

وجود شما حتی قبل از آفرینش آسمانها و یا قبل از دوران افلاک وجود داشته است<sup>۱</sup>».

همچنین گمیت اسدی شاعر اهل بیت در مدح و منتقبت آنان شعر می سراید و از طرف بنی امیه، مورد تعقیب و آزار قرار می گیرد، زندان می رود، شکنجه می شود، اما باز هم عشق و ولای خود را در آزادی خواهی و عدالت طلبی دنبال می کند.

فیا ساسة هاتوا لنا من جوابکم

ففيکم لعمري ذو اَفانينَ مِقوْلُ  
فكيفَ وَ مِن اِنِّي وَ اِذْ نَحْنُ خَلْفَةُ

فريقانِ شَتى تسمنون وَ نَهْزَلُ

فيا ربِّ هل الّا بكِ النَصْرُ يَرتجى

وَ يا ربِّ هل الّا عليكِ الْمُتَعَوَّلُ

«ای سیاستمداران جواب بیاورید، به خدا در

میان شما (سیاستمداران) گویندگان سست رأی وجود دارد از کجا و چگونه ما که یک گروه و امت هستیم، دو فرقه وجود دارد؟ ما هر روز لاغر می شویم و شما فربه. ای خدا، تو تنها امیدگاهی ای خدا تو تنها پناهی. در مبارزه با استبداد و آزادی خواهی».

ساسة لا کمن یری رعیتة النا-

-س سواة و رَغْبَةُ الْأَنْعَامِ

لا کعبد الملک و لا کولید

او سلیمان بعد او کَهْشام

«امامان، سیاستمدارانی اند، مردم را با چهار

پایان، یکی نمی بینند.

نه بمانند عبدالملک، نه بمانند ولید (بن

عبدالملک) و نه بمانند سلیمان یا هشام بن

عبدالملک اند».

حُبِّ وَ ولای اهل بیت (علیهم السلام)

ابو نواس شاعر شیعی که قلبش

آکنده از محبت آل محمد است و عشق و

ولای خود را در مدح حضرت رضا

نشان داده و آنچنان ولاء و الگوی اهل

بیت را بزرگ می نماید که انگار کل آفاق

آفرینش در آن غوطه می خورد:

مَظْهَرونَ نَقِیاتِ ثِیابِهِم

تجری الصلاة علیهم اینما ذکروا

مَن لم یکن علویاً حین تنسبه

فما لَهُ مِن قَدِیمِ الدَّهرِ مُفْتخر

فَاللّهُ لَمَّا بَرَا خَلْقاً فَاتَّقته

صفاکم و اصطفاکم اَیُّها البشر

فأنتم الملاء الأعلی و عندکم

علم الکتاب و ما جاءت به السُّورُ<sup>۲</sup>

(۱) این شعر دلیل بر ولایت و محبت ابوالعلاء به اهل بیت است.

(۲) عیون اخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۱۴۳.

«این امامان، تمام پاکانند، لباسشان از همه آلودگیها پاک است آنها معصومند.

کسی که در حالت انتساب، علوی نباشد، او در طول دهر و روزگار از همه‌گونه افتخار عاری است.

خداوند وقتی آفرینش را آفرید، شما(اهل بیت) را انتخاب فرمود و پاکیزه ساخت.

شما برجستگان امتید در پیش شما علم کتاب و تنزل قرآن، موجود است.

قِيلَ لِي أَنْتَ أَشْعَرُ النَّاسِ طَرَأَ

فِي فَتْوَنِ مِنَ الْكَلَامِ النَّبِيَّ

لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلَامِ بَدِيعِ

يَشْمُرُ الدَّرَّ فِي يَدِي مَجْتَبِيَّه

فَعَلِي مَ تَرَكْتَ مَدْحَ ابْنِ مُوسَى

وَالْخِصَالِ الَّتِي تَجْتَمَعُ فِيه

قُلْتَ اسْتَطِيعُ مَدْحَ إِمَامِ

كَانَ جَبْرِيلَ خَادِمًا لِأَبِيهِ (۱)

«به من گفتند تو بهترین شاعرانی، تو در فنون

کلام و شعر، مهارت داری.

تو را از گوهر سخن و صدفهائی است که در

دست دُرشناس می‌درخشد.

پس چرا مدح و صفات علی بن موسی

سخن نمی‌گویی؟

گفتم چگونه امامی را مدح گویم که جبرئیل

خادم پدر او بود!!».

و این چنین محبت و ولاء و

عدالت‌خواهی و حقیقت‌دوستی تشیع

در اثر تأثیر عمیق حادثه کربلا در پرورش

احساس شاعران که زبان‌گویای

جامعه‌ها بوده‌اند، و چه انقلابهائی که از

شعر انقلابی و تعهدآور ایشان، رخ داده

است، دخالت دارد و پیام عاشورا را در

قالب شعر، به نسلهای آینده، ابلاغ

می‌کنند.

در مورد چنین شاعرانی است که

به هر بیتی از اشعار اینان خانه مجللی در

بهشت جاودان وعده داده می‌شود و

زبان‌گویای اهل بیت علیهم‌السلام می‌گردند.

۱. در این مقاله تأثیر نهضت عاشورا در قلمرو

ادب عربی بحث کردیم، در مقاله دیگر پرورش

اندیشه شاعران فارسی‌زبان را در پرتو باز ساخت

و تأثیر نهضت عاشورا بحث خواهیم کرد در

تحریر این مقاله از کتاب «الأدب فی ظلّ التشیع»

استاد علامه عبدالله نعمه استفاده شده است.